

بررسی تاثیر ویژگی های کیفی حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام

دکتر احمد خدای پور

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

وحید محمدرضاخانی

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

رحمت اله هوشمندزعفرانیه

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۰۴

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه بین ویژگی های کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. ویژگی های کیفیت حسابرسی مورد استفاده در این تحقیق، اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس است. برای سنجش هزینه حقوق صاحبان سهام از مدل رشد گوردن استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده های پانلی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد که بین اندازه موسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، یافته ها نشان داد که بین دوره تصدی حسابرس و هزینه حقوق صاحبان سهام یک ارتباط منفی وجود دارد. ولی این رابطه از لحاظ آماری معنادار نمی باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، هزینه حقوق صاحبان سهام

مقدمه

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارشگری جامع و مناسب می‌باشد، از ارکان ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در شرکت به حساب می‌آید. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شود که یک سازمان مستقل بر فرایند گزارشگری شرکتها و مرکز ثقل این فرایند یعنی صورتهای مالی، نظارت نمایند. نمونه‌ای از این گونه سازمان‌های مستقل، موسسات حسابرسی می‌باشند. حسابرسی، برای صورتهای مالی گزارش شده ارزش افزوده فراهم می‌کند، زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اتکا محتوای صورتهای مالی را گزارش می‌دهد.

با توجه به جایگاه و نقش موسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، کیفیت حسابرسی به عنوان عامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی، مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. حسابرس به عنوان یک مکانیزم کشف‌کننده تحریفات با اهمیت، می‌تواند موجب بهبود کیفیت اطلاعات و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های بهینه برون سازمانی گردد. مدیریت برای حفظ ارزش واحد تجاری باید تلاش کند بازده مورد انتظار را حداقل به سطح هزینه سرمایه برساند. سهامداران نیز در تعیین نرخ بازده مورد انتظار خود بر صورتهای مالی شرکت اتکا می‌کنند. بنابراین قابلیت اتکا صورتهای مالی گزارش شده می‌تواند در برآورد بازده مورد انتظار سهامداران موثر است. از طرفی دیگر، قابلیت اتکا صورتهای مالی با انجام حسابرسی امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین، این تحقیق در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که آیا ویژگی‌های کیفیت حسابرسی منجر به کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌گردد؟

مبانی نظری تحقیق

حسابرسی عبارت است از هرگونه رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک و انجام سایر بررسی‌ها که توسط شخصی مستقل از تهیه‌کننده آن به منظور ارائه اظهار نظر نسبت به قابلیت اتکا بودن صورتهای مالی انجام می‌پذیرد [۱]. حسابرسی سه نقش مهم نظارت بر اقدامات مدیریت (فرضیه نظارت)، ایجاد محیط اطلاعاتی بهتر (فرضیه اطلاعات) و ایجاد امنیت برای شرکتها در برابر خطرات (فرضیه بیمه)، را ایفا می‌کند. اگر عملیات حسابرسی از کیفیت مطلوب برخوردار نباشد و نتواند قابل اتکا بودن اطلاعات منتشر شده را به خوبی تعیین کند، در سطح اقتصاد خرد افراد بسیاری سرمایه‌های خود را از دست می‌دهند و افراد کمی سودهای کلانی به دست خواهند آورد. همچنین، کاهش کیفیت حسابرسی ممکن است تهدیدی برای اعتبار، حسن شهرت، حق الزحمه درخواستی حسابرس و مشروعیت حرفه حسابرسی باشد. در تئوری نمایندگی مطرح می‌شود که حسابرسی به کم کردن تضاد منافع بین مدیریت و سرمایه‌گذاران کمک می‌کند. لذا، شرکتهای بزرگ حسابرسی به منظور حفظ اعتبار و شهرت خود انگیزه قوی‌تری برای حفظ استقلال خود دارند. بنابراین، استانداردهای گزارشگری را بهتر و در سطح وسیع‌تری اجرا می‌کنند [۱۶]. اخیراً، موضوع آسیب‌پذیری حقوقی مدیران مطرح گردیده است که انجام حسابرسی را به عنوان پوششی برای زیان ناشی از آن طلب می‌کند. حسابرس و مدیریت واحد مورد حسابرسی، مشترکاً و به طور انفرادی در رابطه به زیانهای ناشی از صورتهای مالی تحریف شده، در برابر اشخاص ثالث ذینفع مسئولیت دارند. به عبارتی دیگر، مدیران علاقه‌منداند از طریق حسابرسی، پوشش بیمه‌ای برای خود ایجاد کنند [۱۴].

در بسیاری از موارد بر اساس مبانی نظری، موسسه حسابرسی بزرگ از لحاظ اندازه، باعث افزایش سطح کیفیت حسابرسی شرکت می‌شوند. موسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات

حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارایه می‌کنند، زیرا علاقه‌مندند شهرت بهتری در بازار کار بدست آورند و از آنجا که تعداد صاحبکارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آنها نیستند [۱۰]. یکی دیگر از عوامل اثر گذار بر کیفیت حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی می‌باشد. هرچه دوره تصدی حسابرسی بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص افزایش می‌یابد. این امر منجر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد. به عبارتی دیگر، حسابرس با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت‌های صاحبکار کسب می‌کند. به این ترتیب، توانایی حسابرس در مورد انتخاب رویه حسابداری و گزارشگری مناسب، افزایش می‌یابد. بنابراین، رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار، می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد [۷].

هزینه سرمایه عبارت است از حداقل نرخ بازدهی که شرکت باید به دست آورد تا بازده موردنظر سرمایه‌گذاران در شرکت تأمین شود. در صورتی که بازده مورد انتظار از هزینه سرمایه کمتر باشد ارزش واحد تجاری کاهش خواهد یافت. بنابراین، مدیریت برای حفظ ارزش واحد تجاری باید تلاش کند بازده مورد انتظار را حداقل به سطح هزینه سرمایه برساند. بازده مورد انتظار سهامداران تحت تاثیر ریسک اطلاعات قرار دارد و ریسک اطلاعات به میزان اطلاعات شخصی، اطلاعات عمومی و شفافیت اطلاعات بستگی دارد، به گونه‌ای که هر چه شفافیت اطلاعات ارائه شده کمتر باشد، افزایش صرف ریسک ناشی از شرایط ابهام، بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بالاتر می‌رود. سهامداران نیز در تعیین نرخ بازده مورد انتظار خود بر صورت‌های مالی شرکت اتکا می‌کنند. بنابراین قابلیت اتکا صورت‌های مالی گزارش شده در برآورد بازده مورد انتظار سهامداران موثر است. از طرفی دیگر، همانطور که توضیح داده شد، قابلیت اتکا صورت‌های مالی با انجام حسابرسی امکان پذیر خواهد بود.

در بیشتر تحقیقات اخیر در سطح بین الملل، نشان داده شده است که هزینه سرمایه تحت تاثیر کیفیت حسابرسی قرار می گیرد. خرانا و رامان^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند که بزرگ بودن موسسه حسابرسی از لحاظ اندازه به طور معناداری باعث کاهش هزینه سرمایه نسبت به شرکت‌هایی می شود که توسط موسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی نشده‌اند. بر مبنای فرضیه اطلاعات می توان بیان کرد که حسابرسان با انجام عملیات حسابرسی باعث ایجاد مزایای اطلاعاتی می شوند که زیر بنای تصمیم‌گیری اقتصادی است را فراهم می کند. به عبارتی دیگر، حسابرسان به عنوان یک مکانیزم کشف کننده تحریف اطلاعات، می توانند باعث بهبود کیفیت اطلاعات و در نتیجه کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری بهینه درون سازمانی گردند. بنابراین حسابرسی باعث کاهش ریسک اطلاعاتی برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی می شود. این ریسک می تواند منجر به کاهش هزینه سرمایه گردد [۱۵].

پیشینه تحقیق

مانسی و همکاران^۲ (۲۰۰۴) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حسابرس و هزینه سرمایه پرداختند. یافته‌های آن‌ها بیانگر این بود که بین دوره تصدی و هزینه سرمایه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش دوره تصدی، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد [۱۷]. فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) رابطه بین ویژگی‌های کیفیت حسابرسی، اندازه شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، دوره تصدی، اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده بود. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بین اندازه موسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد [۱۲].

¹ - Kharana & Raman

² - Mansi & et al

الیتزور و فالک^۱ (۱۹۹۶) و دای و ژیرو^۲ (۱۹۹۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند کیفیت حسابرسی بطور منفی تحت تاثیر سیاست چرخش اجباری حسابرس است [۹، ۱۱]. گوش و مون^۳ (۲۰۰۵) نیز به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی با افزایش دوره تصدی بهبود می‌یابد [۱۳].

پالمروس^۴ (۱۹۸۸)، تندلو و وانسترایلن^۵ (۲۰۰۸) موسسات حسابرسی عضو چهار سازمان حسابرسی بزرگ (قبلاً به شش موسسه حسابرسی بزرگ و هشت موسسه بزرگ معروف بودند) را به عنوان موسسات حسابرسی بزرگ و دارای اعتبار و شهرت در نظر گرفته و حسابرسی‌های انجام گرفته شده به وسیله آن‌ها را به عنوان حسابرسی با کیفیت بالا مطرح نموده‌اند و آن را به عنوان معیار و شاخص کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های خود ارائه کرده‌اند، چرا که شرکتهای عضو چهار موسسه بزرگ حسابرسی علاوه بر شهرت و اعتبارشان، در امر آموزش کارکنان و حفظ استقلال در برابر صاحبکاران و دیگر موارد مهم اثر گذار در افزایش کیفیت موفق عمل می‌کنند [۱۹، ۲۰]. کارسلو و ناچی^۶ (۲۰۰۴) در تحقیقی تحت عنوان اندازه شرکت، تخصص حسابرس و گزارشگری مالی متقابلانه، نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی حسابرس موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار مربوط شده و موجب بالا رفتن سطح کیفیت حسابرسی خواهد شد [۶].

در رابطه با موضوع، بررسی تاثیر ویژگی‌های کیفیت حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام عادی تاکنون تحقیقی در ایران صورت نگرفته است. اما تحقیقات اندکی در رابطه با کیفیت حسابرسی به شرح زیر صورت گرفته است: مطالعات فریبگی

1 - Elitzur & Falk

2 - Deis & Giroux

3 - Ghosh & Moon

4 - Palmrose

5 - Tendello & Venstraelen

6 - Carcello & Nagy

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ پرداختند. در این تحقیق، موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره موسسه حسابرسی کوچک و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ در نظر گرفته شدند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد [۲]. نونهال نهر و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از دو معیار اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس استفاده کردند. همچنین در این تحقیق، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ از لحاظ اندازه و سایر موسسات به عنوان موسسه حسابرسی کوچک در نظر گرفته شده‌اند. معیار دوره تصدی نیز ۵ سال در نظر گرفته شده است. با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بود که شرکتهای حسابرسی شده توسط حسابرس با کیفیت بالاتر در مقایسه با شرکتهای حسابرسی شده توسط حسابرس با کیفیت پایین‌تر، دارای ضریب پایداری و قابلیت اتکای اقلام تعهدی بیشتری بوده‌اند [۵].

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به سوال اصلی تحقیق، دو فرضیه به شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه ۱: بین اندازه موسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین دوره تصدی حسابرس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، شبه تجربی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه تحقیق، از معادله رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده

است. به منظور انجام پژوهش، اطلاعات و داده‌های کمی مورد نیاز از صورتهای مالی حسابرسی شده شرکتها و سایر گزارشات مالی آنها و همچنین، نرم افزارهای تدبیر و ره آورد نوین استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع آوری در صفحه گسترده Excel، مرتبط و طبقه بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار Eviews 6 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. قلمرو زمانی پژوهش حاضر، بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، می‌باشد. اما، با توجه به برآورد نرخ رشد مورد انتظار شرکت در هر سال با استفاده از میانگین هندسی سود عملیاتی ۵ سال گذشته و استفاده از سود تقسیمی سال آتی در مدل گوردن، در مجموع، داده‌های پژوهش محدوده زمانی ۱۱ ساله از سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرند. برای نمونه‌گیری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است و شرکتهایی که دارای کلیه شرایط زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

۱. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 ۲. شرکت قبل از سال ۱۳۷۹، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 ۳. اطلاعات مورد نیاز در رابطه با اینگونه شرکتها در دسترس باشد.
 ۴. شرکتها جزء بانکها و موسسات مالی (شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکتهای هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند، زیرا افشاهای مالی و ساختارها در آنها متفاوت است.
 ۵. وقفه معاملاتی بیش از دو ماه بعد از تاریخ مجمع عمومی عادی نداشته باشند.
 ۶. شرکت طی دوره قلمرو زمانی، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداده باشد.
- با اعمال شرایط فوق الذکر از بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۵۵ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شدند که در مجموع تعداد ۲۷۵ سال-شرکت شده‌اند.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل و تعریف عملیاتی آنها

در این تحقیق، ویژگی‌های کیفیت حسابرسی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند. مهمترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هر چه اندازه موسسه حسابرسی بزرگتر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. در این تحقیق منظور از اندازه موسسه حسابرسی، حسن شهرت موسسه حسابرسی (نام تجاری) است. در نتیجه‌ی حسن شهرت موسسه حسابرسی، اعتبار اطلاعات صورتهای مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود [۸، ۱۰، ۱۹، ۲۰]. به منظور اندازه‌گیری اندازه موسسه حسابرسی، موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره موسسات حسابرسی کوچک و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر به عنوان موسسات حسابرسی بزرگ قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن یعنی دوره تصدی حسابرس است. هرچه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد [۱۸]. در این تحقیق، در خصوص معیار کیفیت حسابرسی از لحاظ دوره تصدی، اگر موسسه حسابرسی بیش از چهار سال به طور مداوم حسابرس شرکت صاحبکار بوده باشد، مقدار متغیر مجازی دوره تصدی موسسه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. عدد دوره زمانی چهار سال با استناد به تحقیق نمازی و همکاران (۱۳۹۰) انتخاب شده است [۴].

متغیر وابسته و تعریف عملیاتی آن

هزینه حقوق صاحبان به عنوان متغیر وابسته این تحقیق است. مدل مورد استفاده برای محاسبه حقوق صاحبان سهام در این تحقیق مدل رشد گوردن^۱ است. در این مدل هزینه حقوق صاحبان سهام با استفاده از رابطه شماره (۱) محاسبه می‌شود:

$$K_e = \frac{DPS_{t+1}}{P_t} + g \quad (1)$$

در رابطه شماره (۱)، K_e هزینه حقوق صاحبان سهام است. DPS_{t+1} سود سهام مورد انتظار سال آتی برای هر سهم است. با توجه به اینکه از اطلاعات گذشته استفاده می‌شود؛ لذا، سود تقسیمی سال بعد شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. P_t اولین قیمت سهام بعد از تشکیل مجمع عادی حقوق صاحبان سهام می‌باشد. g نرخ رشد مورد انتظار است. نرخ رشد با استفاده از میانگین هندسی سود عملیاتی طی پنج سال قبل محاسبه شده است.

متغیرهای کنترلی

در این تحقیق، تاثیر متغیرهای اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت ارزش دفتری به بازار نیز کنترل شد. در ادامه هر یک از این متغیرها توضیح داده شده‌اند.

اندازه شرکت: برای کنترل تاثیر متغیر اندازه شرکت بر هزینه حقوق صاحبان سهام، مطابق با فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال به عنوان شاخص اندازه شرکت، استفاده شده است [۱۲].

اهرم مالی: برای کنترل تاثیر متغیر اهرم مالی بر هزینه حقوق صاحبان سهام، مطابق با تحقیق فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) از لگاریتم طبیعی نسبت بدهی (مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها) استفاده شده است [۱۲].

1 - Gordon

نسبت ارزش دفتری به بازار: برای کنترل تاثیر متغیر نسبت ارزش دفتری به بازار بر هزینه حقوق صاحبان سهام، مطابق با فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری به بازار هر سهم استفاده شده است [۱۲].

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. در این مدل هزینه حقوق صاحبان سهام متغیر وابسته و اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس به عنوان ویژگی‌های کیفیت حسابرسی متغیرهای مستقل می‌باشند. به لحاظ کنترل اثر عوامل ریسک، سه متغیر کنترلی نسبت ارزش دفتری به بازار، اهرم مالی و اندازه شرکت وارد مدل رگرسیون شده‌اند. مدل رگرسیون مورد استفاده در رابطه شماره (۲) آورده شده است.

(۲)

$$COE_{it} = \beta_0 + \beta_1 AuditSize_{it} + \beta_2 Tenure_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 BM_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

COE_{it} هزینه حقوق صاحبان سهام، $AuditSize_{it}$ اندازه موسسه حسابرسی، $Tenure_{it}$ دوره تصدی حسابرس، BM_{it} نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، $Size_{it}$ اندازه شرکت، Lev_{it} اهرم مالی شرکت می‌باشد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج آمار توصیفی

جدول شماره (۱) نشان دهنده اندازه شاخص‌های آمار توصیفی داده‌های مورد استفاده در تحقیق است. نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها حاکی از آن است که میانگین نرخ مورد انتظار سهامداران شرکتهای مورد بررسی ۳۵٪ می‌باشد. کمترین و بیشترین نرخ مورد انتظار به ترتیب ۱۰٪ و ۸۰٪ با انحراف معیار ۱۷٪ می‌باشد. میانگین اندازه حسابرس برابر ۰/۳۱ است. این نشان

می‌دهد که از در شرکتهای مورد بررسی از هر ۱۰ شرکتی که حسابرسی شده‌اند، به طور متوسط ۳ شرکت حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی، انجام شده است. میانگین دوره تصدی حسابرس نیز برابر با ۴/۳۳ سال با انحراف معیار ۲/۱۷ است. به طور متوسط ۶۲٪ دارایی - های شرکتهای مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین مالی شده‌اند. آمار توصیفی ارائه شده حاکی از تنوع و همچنین صحت داده‌های تحقیق است.

جدول شماره (۱) - نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هزینه حقوق صاحبان سهام	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۸۰
اندازه حسابرس	۰/۳۱	۰	۰/۴۶	۰	۱
دوره تصدی حسابرس	۴/۳۳	۴	۲/۱۷	۱	۸
اندازه شرکت	۱۳/۱۳	۱۳/۱	۱/۵	۱۰/۳	۱۶/۸۳
اهرم مالی	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۹۶
ارزش دفتری به بازار	۰/۶۸	۰/۵۶	۰/۴۳	۰/۱۱	۱/۸

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، در ابتدا فرضیه‌های تحقیق بر اساس داده‌های کل شرکتهای مورد بررسی قرار گرفت. سپس، داده‌ها به دو گروه شرکتهای بزرگ و کوچک طبقه‌بندی گردید و فرضیه‌های تحقیق برای هر گروه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق در جدول شماره (۲) آورده شده است. در ابتدا برای انتخاب بین روش داده‌های تلفیقی (حداقل مربعات معمولی) و تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شده است. همانطور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، مقدار آماره F لیمر معادل ۲/۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین، روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. روش داده‌های تابلویی خود دارای دو روش اثرات ثابت و تصادفی است. برای انتخاب بین این دو روش از آزمون هاسمن

استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۲۱) آزمون هاسمن در جدول مزبور، نتایج این آزمون بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل است. با توجه به مقدار آماره F (۱۶/۹۸) و سطح معناداری مربوط به آن (۰/۰۰۰)، تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیست و همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. لذا، مدل برازش شده در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده، می‌توان ادعا کرد که حدود ۲۸٪ از تغییرات هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود. همچنین، آماره دوربین واتسون (۱/۵۱) بین مقدار ۱/۵ تا ۲/۵ است که استقلال مشاهدات را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق با استفاده از کل داده‌ها

$COE_{it} = \beta_0 + \beta_1 AuditSize_{it} + \beta_2 Tenure_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 BM_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	β_0	-۰/۸۰	-۳/۵۹	۰/۰۰۰
اندازه حسابرس	$AuditSize_{it}$	۰/۰۶۶	۴/۳۲	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	$Tenure_{it}$	-۰/۰۱۱	-۰/۵۹۱	۰/۵۵۵
اندازه شرکت	$Size_{it}$	۰/۴۳۸	۵/۳۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Lev_{it}	-۰/۰۳۴	-۱/۰۲۴	۰/۳۰۷
ارزش دفتری به بازار	BM_{it}	۰/۰۳۵	۱/۶۷۷	۰/۰۹۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۷	آماره F		۱۷/۲۷
آماره دوربین واتسون	۱/۵۱	سطح معناداری کل مدل		۰/۰۰۰
آزمون F لیمر	۲/۵۰	آزمون هاسمن		۱۳/۱۶
سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری		۰/۰۲۱

فرضیه اول تحقیق به این صورت مطرح شده بود که بین اندازه موسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد. همانطور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، ضریب متغیر اندازه موسسه حسابرسی (AuditSize) معادل ۰/۰۶۷ و آماره t معادل ۴/۴۰ می باشد که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ می توان گفت بین اندازه موسسه حسابرسی با هزینه حقوق صاحبان سهام عادی در سطح اطمینان ۹۹٪ ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. لذا، فرضیه اول تحقیق مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه دوم تحقیق به این صورت مطرح شده بود که بین دوره تصدی حسابرس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد. همانطور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، ضریب متغیر دوره تصدی موسسه حسابرسی (Tenure) معادل ۰/۰۱۱- و آماره t معادل ۰/۵۹۱- می باشد. بنابراین، مطابق با مبانی نظری گفته شده و یافته های تحقیق فرناندو و همکاران [۱۲] بین دوره تصدی موسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام عادی ارتباط منفی وجود دارد، ولی معنادار نیست. با توجه به سطح معناداری سایر متغیرهای الگو، می توان نتیجه گرفت که متغیرهای اندازه شرکت و نسبت ارزش دفتری به بازار به ترتیب در سطح اطمینان ۹۹٪ و ۹۰٪ تاثیری مثبت و معنادار بر هزینه حقوق صاحبان سهام عادی دارند. ضریب تعیین تعدیل شده نیز معادل ۰/۲۸۷ است که می توان گفت حدود ۲۹٪ از تغییرات هزینه حقوق صاحبان سهام توسط متغیرهای مدل توضیح داده شده اند.

به دلیل بالا بودن نقش توضیح دهندگی و بزرگی اندازه شرکت در مدل تحقیق، برای مشخص شدن دقیق تر اثر کیفیت حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکتهای کوچک و بزرگ، فرضیه های تحقیق به صورت جداگانه برای هر گروه از شرکتهای دوباره مورد آزمون قرار گرفته شده است. نتایج این آزمون ها در جدول شماره (۳) آورده شده است. همانطور که در جدول شماره (۳) مشاهده می شود، مقدار آماره F لیمر معادل ۲/۵ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد. بنابراین، روش داده های تابلویی پذیرفته می شود. با توجه به سطح معناداری آزمون

هاسمن در جدول مزبور، نتایج این آزمون بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل است.

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق بر اساس ویژگی اندازه شرکت

$$COE_{it} = \beta_0 + \beta_1 AuditSize_{it} + \beta_2 Tenure_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 BM_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	شرکتهای کوچک		شرکتهای بزرگ	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
β_0	-۰/۳۴	-۱/۶۴*	-۰/۶۷	-۳/۸***
$AuditSize_{it}$	۰/۱۰	۳/۳۷۵***	۰/۰۶	۲/۴**
$Tenure_{it}$	۰/۰۲	۰/۸۵	-۰/۰۱	-۰/۴۹
$Size_{it}$	۰/۰۶	۳/۹۳***	۰/۰۷	۵/۷***
Lev_{it}	-۰/۲۰	-۴/۱۴***	۰/۰۴	۳/۸۵***
BM_{it}	۰/۰۷	۲/۵۲***	-۰/۰۶	-۱/۵۵
R^2 تعدیل شده	۰/۴۲		۰/۴۰	
D-W	۱/۷۲		۱/۵۴	
آماره F	۱۴/۸***		۱۵/۲۹***	
آزمون F لیمر	۲/۰۲***		۲/۵۷***	
آزمون هاسمن	۱۱/۷۱**		۹/۳۴	

،*،**،*** به ترتیب معناداری در سطح اطمینان ۹۰٪، ۹۵٪ و ۹۹٪

با توجه به مقدار آماره F برای شرکتهای کوچک و بزرگ (به ترتیب ۱۴/۸ و ۱۵/۲۹) و سطح معناداری مربوط به آن (هر دو ۰/۰۰۰)، تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیست و همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. لذا، مدل برازش شده در هر دو گروه شرکتهای در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده، می‌توان ادعا کرد که در شرکتهای کوچک و بزرگ به

ترتیب حدود ۴۲٪ و ۴۰٪ از تغییرات هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شوند. همچنین، آماره‌های دورین واتسون (به ترتیب ۱/۷۲ و ۱/۵۴) بین مقدار ۱/۵ تا ۲/۵ هستند که استقلال مشاهدات را نشان می‌دهند.

همانطور که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، مقدار ضریب متغیر و آماره t اندازه موسسه حسابرسی در شرکتهای کوچک به ترتیب معادل ۰/۱۰ و ۳/۳۷۵ و در شرکتهای بزرگ به ترتیب معادل ۰/۰۶ و ۲/۴۰ است. بنابراین، فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین اندازه موسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام در هر دو گروه مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین، فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین دوره تصدی حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام برای شرکتهای کوچک و بزرگ نیز مانند کل شرکتهای مورد تایید قرار نگرفت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال بود که آیا ویژگی‌های کیفیت حسابرسی منجر به کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌گردد. در این راستا، از معیارهای اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس به عنوان ویژگیهای کیفیت حسابرسی استفاده گردید. همچنین، برای سنجش هزینه حقوق صاحبان سهام از مدل رشد گوردن استفاده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که بین اندازه موسسه حسابرسی به عنوان یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. تحقیقات انجام شده در سطح بین الملل رابطه مثبت و معناداری بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را نشان داده‌اند ولی تحقیق صورت گرفته در ایران توسط حساس یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹) نشان داده است که یک رابطه منفی و معناداری بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی وجود دارد [۲]. با توجه به متفاوت بودن

محیط اقتصادی ایران به دلیل اینکه تنها سازمان حسابرسی به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ در تحقیقات در نظر گرفته می‌شود و همچنین، با توجه به ساختار شبه دولتی آن و نتایج تحقیق حساس یگانه و آذین‌فر و نتایج این تحقیق به پیروی از تحقیقات خارجی صورت گرفته می‌توان بیان کرد که با افزایش اندازه موسسه حسابرسی (کاهش کیفیت حسابرسی)، هزینه حقوق صاحبان سهام عادی کاهش پیدا می‌کند. به عبارتی، با کاهش کیفیت حسابرسی (افزایش اندازه موسسه حسابرسی)، قابلیت اتکا به صورتهای مالی کاهش می‌یابد و ریسک تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذار افزایش می‌باشد که منجر به افزایش نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذار می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های مطالعات صورت گرفته توسط فرناندو و همکاران (۲۰۱۰) که نشان دادند کیفیت حسابرسی بالا باعث کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌شود [۱۲]، مطابقت دارد. همچنین، نتایج نشان داد که بین دوره تصدی موسسه حسابرسی به عنوان معیار دیگر کیفیت حسابرسی با هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط منفی وجود دارد ولی این رابطه از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. این نتیجه با یافته‌های فرناندو و همکاران [۱۲] مطابقت ندارد.

علاوه بر این، نتایج طبقه‌بندی شرکتها به دو دسته کوچک و بزرگ، نشان داد که ارتباط بین ویژگی‌های کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکتهای کوچک در مقایسه با شرکتهای بزرگ قوی‌تر می‌باشد. به عبارتی، تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکتهای کوچک بدلیل اینکه این شرکتها ریسک و ابهام بیشتری برای سرمایه‌گذاران دارند و افزایش کیفیت حسابرسی باعث افزایش شفافیت اطلاعاتی و کاهش ریسک در این شرکتها می‌شود، بیشتر است. این نتیجه نیز با یافته‌های فرناندو و همکاران [۱۲] مطابقت دارد. با توجه به نتایج فرضیه اول تحقیق، به هیئت مدیره و مدیران پیشنهاد می‌شود جهت افزایش کیفیت حسابرسی و کاهش نرخ بازده مورد انتظار سهامداران در انتخاب موسسه

حسابرسی دقت فرمایند. همچنین، به سرمایه‌گذاران بالقوه پیشنهاد می‌شود در تصمیم‌گیریهایی خود برای تعیین نرخ بازده مورد انتظار به کیفیت حسابرسی شرکت مورد نظر توجه نمایند. با توجه به اهمیت کیفیت حسابرسی جهت افزایش قابلیت اتکای صورتهای مالی برای استفاده‌کنندگان در تعیین نرخ بازده مورد انتظار برای تصمیم‌گیری، تحقیقاتی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. در نظر گرفتن معیارهای دیگری برای سنجش اثر کیفیت حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام مانند چرخش شریک حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت و ...
۲. در نظر گرفتن معیارهای دیگری برای سنجش هزینه حقوق صاحبان سهام از قبیل مدل اوهانلون و استیل، قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و ...



An Investigation of the Effects of Audit quality attributes on Cost of equity

Ahmad Khodami Pour (Ph.D)

Associate Professor of Accounting - Shahid Bahonar University of Kerman

Vahid Mohammadrezakhani

MSc in Accounting - Shahid Bahonar University of Kerman

Houshmand Zaferanie, Rahmat Allah

MSc in Accounting - Shahid Bahonar University of Kerman

Abstract

The purpose of this paper is to investigate the relationship between Audit quality attributes and Cost of equity. In this study, auditor size and auditor tenure were used as Audit quality attributes. For measuring Cost of equity is used Gordon growth model. For analyzing data and hypothesis testing has been used linear multivariable regression model base on panel data. The results from hypotheses testing show that there is a significant positive relationship between auditor size and Cost of equity. Also there is a negative relationship between auditor tenure and Cost of equity, but this relationship isn't significant.

Keywords: Quality Audit, Auditor Size, Auditor Tenure, The Cost of Equity.

منابع و مآخذ

۱. بدری، احد، (۱۳۹۰)، "بررسی ارتباط بین چرخش شریک حسابرسی و موسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی"، **پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری**، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲. حساس یگانه، یحیی و آذین‌فر، کاوه، (۱۳۸۹)، "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ص. ۸۵-۹۸.
۳. مجتهدزاده، ویدا و آقایی، پروین، (۱۳۸۳)، "عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۸، ص. ۵۳-۷۶.
۴. نمازی، محمد، بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۹، ص. ۴-۲۲.
۵. نونهال‌نهر، علی اکبر، جبارزاده کنگرلویی، سعید و پورکریم، یعقوب، (۱۳۸۹)، "رابطه کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ص. ۵۵-۷۰.

6. arcello, J. V. and Nagy, A. L., (2004), "Client Size, Auditor Specialization and Fraudulent Financial Reporting", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 19, PP. 651-668.
7. Chen, C. Y., Lin, C. J. and Lin, Y. C., (2004), "Audit Partner Tenure, Audit Firm Tenure and Discretionary Accruals; Does Long Auditor Tenure Impair Earning Quality?", Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
8. Chen, K., Lin L. K. and Zhou, J., (2005), "Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms", **Managerial Accounting Journal**, Vol. 20, No. 1, PP. 86-104.
9. Deis, D. and Giroux, G., (1992), "Determinants of Audit Quality in the Public Sector", **The Accounting Review**, Vol. 67, No. 3, PP. 462-479.
10. DeAngelo, L. E., (1981), "Auditor Size and Audit Quality", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 3, No. 3, PP. 183-199.
11. Elitzur R. and Falk H., (1996), "Planned Audit Quality", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 15, PP. 247-269.

12. Fernando, G. D., Abdel-Meguid, A. M. and Elder, R. J., (2010), "Audit Quality Attributes, Client Size and Cost of Equity Capital", **Review of Accounting and Finance**. Vol. 9, No. 4, PP. 363-381.
13. Ghosh, A. and Moon, D., (2005), "Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality", **The Accounting Review**, Vol. 80, Issue 2, PP. 585-612.
14. Hamilton, R., (1975), "An Examination and Clarification of the Role for Auditing in the Production and Dissemination of Capital Market information", unpublished DBA Dissertation, University of Southern California.
15. Khurana, I. and Raman, K., (2004), "Litigation risk and the financial reporting credibility of Big 4 versus non-Big 4 audits: evidence from Anglo-American countries", **The Accounting Review**, Vol. 79, No. 2, PP. 473-495.
16. Malone, D., Fries, C. and Jones, T., (1993), "An Empirical Investigation of the Extent of Corporate Financial Disclosure in the Oil and Gas Industry", **Journal of Accounting, Auditing, and Finance**, Vol. 8, PP. 249-275.
17. Mansi, S., Maxwell, W. and Miller, D., (2004), "Does Auditor Quality and Tenure Matter to Investors? Evidence from the Bond Market", **Journal of Accounting Research**, Vol. 42, No. 4, PP. 755-793.

18. Myers, J., Myers, L. and Omer, T., (2003), "Exploring the Term of the Auditor Client Relationship and the Quality of Earnings: a Case for Mandatory Auditor Rotation?", **The Accounting Review**, Vol. 78, No. 3, PP. 779-800.
19. Palmrose, Z., (1988), "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality", **The Accounting Review**, Vol. 64, No.1, PP. 55-73.
20. Tendello, B. and Vanstraelen, A., (2008), "Earnings Management and Audit Quality in Europe: from the Private Client Segment", **European Accounting Review**, Vol. 17, No. 3, PP. 447-469.

